

جامعه‌شناسی زمانمندی زندگی روزمره در گروه‌های اجتماعی (مورد مطالعه: شهروندان شهر اصفهان)^۱

زهرا ذاکری نصرآبادی^۲

محمدجواد زاهدی^۳

وحید قاسمی^۴

امیر ملکی^۵

تاریخ پذیرش: ۹۸/۴/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۹/۱۷

چکیده

پژوهش پیش‌رو دربارهٔ زمان و زمانمندی در زندگی روزمره است که به تبیین تفاوت‌های موجود در زمانمندی گروه‌های طبقاتی و سنی می‌پردازد. برای تحلیل این تفاوت‌ها از روش‌شناسی دیالکتیکی گورویچ در تحلیل مقیاس‌های زمانی طبقات اجتماعی و نظریهٔ شکاف نسلی کارل مانهایم استفاده شد. روش پژوهش، از نوع پیمایشی است که طی آن ۵۸۶ نفر از شهروندان ۲۰ تا ۵۵ سالهٔ اصفهانی بررسی شدند. برای انتخاب جامعهٔ نمونه، از دو شیوهٔ نمونه‌گیری خوشه‌ای (تفکیک طبقاتی مناطق و محله‌های شهر) و نمونه‌گیری سهمیه‌ای استفاده شد. گردآوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه‌ای صورت گرفت که نگارندگان تهیه کردند. گروه‌های طبقاتی و سنی در ۱۹ بعد زمانی و سپس در ۲ گونهٔ عمدهٔ زمانی (زمانمندی توسعه‌مدار و زمانمندی توسعه‌ستیز) مقایسه شدند. نتایج نشان می‌دهد میانگین زمانمندی توسعه‌مدار با ویژگی‌هایی چون حرکت پیوسته، سرعت متعادل، قطعیت در تعیین هدف‌ها و مسیر زندگی و جهت‌گیری معطوف‌به‌آینده، در طبقات بالا و متوسط، بیشتر از طبقات پایین و در نسل میانسال، بیشتر از جوانان است. قشرهای پایین جامعه و جوانان به‌دلیل تجربهٔ ناامنی‌های اقتصادی، بیش از دیگر گروه‌ها در معرض گسستگی‌ها و بی‌نظمی‌های زمانی (زمانمندی توسعه‌ستیز)‌اند. **واژه‌های کلیدی:** زمان، زمانمندی توسعه‌ستیز، زمانمندی توسعه‌مدار، طبقهٔ اجتماعی، گروه‌های سنی.

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری رشته جامعه‌شناسی مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور تهران است.

۲. مربی و دانش‌آموختهٔ دکتری گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور (نویسندهٔ مسئول)

elmi-zakeri@hr.isfpnu.ac.ir

۳. استاد گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، m_zahedi@pnu.ac.ir

۴. استاد گروه علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان، v.ghasemi@ltr.ui.ac.ir

۵. دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، a_maleki@pnu.ac.ir

مقدمه

مطالعه جامعه‌شناختی زمان، متون غنی و گسترده‌ای را در کشورهای توسعه‌یافته به خود اختصاص داده است که تحلیل دگرگونی مفهوم زمان را بر مدار تحولات ناشی از فرایند مدرنیته دربر می‌گیرد. به‌رغم درهم‌تیدگی شدید زندگی و معیشت انسان‌های سنتی با چرخه‌های طبیعی و ثابت فصول سال و شب و روز و حاکمیت ضرب‌آهنگ‌های جمعی در زندگی اجتماعی آنان، زمان در عصر مدرن به چیزی با قابلیت دست‌کاری و مدیریت تبدیل شد؛ هرچند در انجام دادن چنین کاری، به‌هرحال، عدم قطعیتی در توانایی افراد برای دست‌کاری زمان براساس دسترسی آنها به منابع وجود داشت.

به‌گفته‌ی دورکیم، زمان اجتماعی «زمان عینی به اندیشه‌آمده‌ای است که همه‌ی افراد یک تمدن آن را به همان‌سان می‌اندیشند» (دورکیم، ۱۳۸۳: مقدمه) و در مدرن شدن صنعتی زمان در قالب ساختارها و نهادهای زمانی مدرن با مرکزیت «زمان ساعتی» همگن و دقیق به‌مثابه‌ی خلق زمان برای طرح‌ریزی انسانی نمود می‌یابد (آدام، ۲۰۰۳). در کنار این مفهوم زمان، زمان فردی یا به‌تعبیر دقیق‌تر «زمان بیوگرافیک» نیز در پرتو فردگرایی فزاینده و فرایندهای کسب هویت شخصی اهمیت می‌یابد. این زمان دربرگیرنده‌ی مجموعه تصمیم‌ها، کنش‌ها، هدف‌ها و فعالیت‌های کنشگران در زندگی روزمره، نحوه‌ی حرکت آنها در مسیر کلی زندگیشان و افق زمانی‌ای از تعهدها و انتظارات است که طی آن «حال حاضر» به آنچه بوده است، خاطرات و ذخیره‌ی دانش کنشگران (گذشته) و پیش‌بینی‌هایی از آنچه باید باشد و خواهد بود (آینده)، آغشته می‌شود. پرسش‌هایی که با هم‌زمانی، سرعت، استمرار و توالی حوادث سروکار دارند، در این دیدگاه به‌شدت برجسته‌اند (هامر، ۲۰۱۱: ۳۶).

فلاسفه‌ای چون دیوید کوئنز هوی (۲۰۰۹)، از زمان که جنبه‌ی مرکزی هستی انسان است (پائولسون، ۲۰۱۰: ۱۸۲) و به‌طور یکسان هم عینی و هم ذهنی به‌نظر می‌رسد، تحت عنوان «زمانندی» نام می‌برند که به‌صورت امری واقعی تجربه می‌شود و در اصل «زمان زندگی‌های ما»^۱ است که از زمان به‌صورت کلی آن در قالب زمان عینی یا زمان ساعتی متمایز است. این تفاوت را «جورج گورویچ» در دهه‌ی ۱۹۶۰ به‌تفصیل تشریح کرده است. دلوز و برگسون نیز با این تمایز شناختی موافق‌اند و در الگوهای نظری خود الهام‌بخش آن بوده‌اند (هاجر، ۲۰۱۱: ۲۷۶).

زمان بیوگرافیکی شامل ابعاد و مقوله‌های متنوعی است؛ از جمله: «سرعت زندگی»^۱، اعم از بعد عینی شامل «میزان زمان مصرف‌شده برای هر عمل» و «میزان گرایش به فشردگی کنش‌ها و تجربه‌ها»؛ و بعد ذهنی شامل «ارزش زمان» و «احساس کمبود وقت»؛ وجوه ذهنی زمان همچون حرکت، توالی^۲ و استمرار^۳ (برگسون، ۱۹۱۳ به نقل از گیم، ۱۹۹۷)؛ جهت‌گیری‌های زمانی^۴ (کوزر و کوزر^۵، ۱۹۵۹؛ سروبار^۶، ۱۹۷۵؛ نویس^۷، ۱۹۸۰؛ برگمن، ۱۹۸۱؛ شاپس^۸، ۱۹۸۹ به نقل از ۱۹۹۲)؛ و زمانبندی و ساختار بندی زمانی زندگی روزمره که در بردارنده کنش‌های زمانی همچون ضرب‌الاجل‌ها^۹ و وقت‌شناسی^{۱۰} است. این مقوله‌های زمانی که در پیوند تنگاتنگ با یکدیگر قرار قرار دارند، بر اساس منطق دیالکتیکی گورویچ در تحلیل پدیده‌های اجتماعی و دیدگاه پیوستاری وی از زمان، دارای وجوه متقابل و دوگانه همچون پیوستگی/گسستگی، قطعیت/عدم قطعیت، شتاب/آهستگی، حرکت/سکون و حال‌گرایی/آینده‌گرایی‌اند. از مجموعه وجوه مثبت، زمانمندی بهینه و کارآمدی حاصل می‌شود که منجر به رشد و تعالی فردی و هویت‌بخشی به افراد می‌شود و در درازمدت به رشد و توسعه جامعه خواهد انجامید. در مقابل، وجوه منفی و ناکارآمد به عملکردهای آشفته و بی‌انسجام افراد در سطح جامعه می‌انجامد.

نحوه بر ساخت زمانمندی در وجوه مختلف آن، نه تنها به آنچه افراد انتخاب می‌کنند، بلکه به زمینه‌های اجتماعی بستگی دارد که انتخاب درون آنها رخ می‌دهد (فیتزپاتریک، ۲۰۰۴: ۱۹۹). الگوهای عادت‌واره‌شده رفتار (که هرگز نمی‌تواند به‌طور کاملاً مستقل از ارجاع به پایگاه اجتماعی-اقتصادی تثوریزه شود) یک سازمان زمانی را بر فعالیت‌ها و خودتفسیرگری‌های افراد تحمیل می‌کند (هامر، ۲۰۱۱: ۳۳-۳۴). هدف از پژوهش پیش‌رو، تحلیل زمانمندی شهرنشینان در زمینه تعلق طبقاتی و نسلی آنهاست؛ زمینه‌هایی اجتماعی که

1. pace of life
2. sequence
3. duration
4. time orientations
5. Coser & Coser
6. Srubar
7. Noyes
8. Schops
9. dead lines
10. punctuality

نقشی تعیین‌کننده در شکل دادن به نظام ارزشی، جهان‌بینی و الگوهای رفتاری کنشگران دارند. تضادهای طبقاتی و نسلی ممکن است شکل‌گیری زمانمندی‌های نامنتظم و متعارض در جامعه را در پی داشته باشد. در متون نظری موجود در این زمینه، از سنت مارکسیستی گروویچ تا سنت مارکسی-دورکیمی پیر بوردیو، شواهدی از تفاوت‌های زمانمندی در طبقات مختلف اجتماعی وجود دارد. ظهور گذشته، حال و آینده و نیز معنای ویژه این چارچوب‌های زمانی بسته به تجربه‌های زندگی و پایگاه اجتماعی هر فرد متفاوت است (گیل و یویو، ۲۰۱۵: ۱).

جامعه ایران نیز که فرایندهای ناقص نوسازی را تجربه کرده است، جامعه‌ای با تفاوت‌های شدید در سبک زندگی و جهت‌گیری‌های ارزشی، تضادهای طبقاتی و شکاف‌های نسلی است (معیدفر، ۱۳۸۳؛ تاجیک، ۱۳۸۳؛ آزادارمکی و ملکی، ۱۳۸۶؛ ساروخانی و صداقتی‌فرد، ۱۳۸۸؛ دانش و دیگران، ۱۳۹۳). در پژوهش پیش‌رو، فرض بر آن است که این تضادهای نسلی و نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، به‌ویژه در کلان‌شهرها که کانون اصلی شکل‌گیری ناموزون فرایندهای مدرن شدن هستند، بر نحوه زمانمندی افراد گروه‌های مختلف سنی و پایگاهی مؤثر است و مانع شکل‌گیری فهمی مشترک از زمان و سازمان‌دهی زمانی منسجم در گروه‌های اجتماعی مختلف می‌شود.

رشد صنایع کارخانه‌ای بارزترین نمود شکل‌گیری زمان ساعتی مدرن در کلان‌شهر اصفهان، از بدو تحولات مدرن شدن است. جمعیت زیادی با عنوان کارگران این کارخانه‌ها جذب شدند که زمان خود را با زنگ فعالیت کارخانه‌ها تنظیم می‌کردند (برجیان، ۲۰۰۷ به نقل از صراف، ۲۰۱۰: ۱۱۵). درون پهنه یک نسل، یک طبقه کاملاً جدید کارگران دستمزدبگیر و طبقه متوسط یقه‌سفیدها (شامل مدیران، مریبان و کارمندان) در کنار طبقات قدیم صنعتگران و بازاری‌ها شکل گرفت (اینکلوپدیا، ۲۰۰۷). صبغه طولانی این شهر در انطباق شهروندان با زمان‌بندی‌های نهادی مدرن و تنوع گروه‌ها و طبقات اجتماعی قدیم و جدید، زمینه مناسبی را برای پژوهش درباره زمان و زمانمندی فراهم می‌سازد. پژوهش پیش‌رو درصدد پاسخ به دو پرسش اساسی است: زمانمندی شهرنشینان در زندگی روزمره (در ابعاد و مقوله‌های مختلف زمانی) چگونه است؟ و گروه‌های مختلف سنی و پایگاهی چه تفاوتی از لحاظ زمانمندی با هم دارند؟ برای این منظور، زنان و مردان جوان و میانسال گروه‌های پایگاهی متفاوت، بررسی شدند.

پیشینه پژوهش

برخی پژوهش‌های انجام‌گرفته در حوزه زمان به مقایسه ابعاد خاصی از زمانمندی (به‌ویژه سرعت اجتماعی و جهت‌گیری‌های زمانی) در بین طبقات اجتماعی یا جوان‌ترها نسبت به بزرگسالان پرداخته‌اند. لکاردی (۲۰۱۲) طی پژوهشی کیفی در میلان، تغییرات به‌وجودآمده در تجربه زمانی جوانان را در دو بازه زمانی سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۹ تحلیل کرده است. براساس نتایج این پژوهش، هرچند اقلیتی از جوانان بدون منابع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، به‌سادگی به زمان حال پناه می‌برند، در جوانانی که سرمایه اجتماعی و فرهنگی بیشتری دارند، راهبرد «آینده بدون تعین»^۱ به‌مثابه یک ظرفیت بالقوه اضافی عمل می‌کند؛ نه به‌مثابه محدودیتی برای عمل. راهبرد «آینده بدون پروژه»، یعنی نبود مسیر ازپیش‌تثبیت‌شده و پیش‌بینی‌شدنی برای آینده و راهبرد «طرح‌های کوتاه‌مدت» از اصلی‌ترین راهبردهای نسل جدید برای آینده و در پاسخ به جهان پرشتاب امروزی‌اند. لانگو (۲۰۱۵) در پژوهشی کیفی، زمانمندی جوانان شاغل را در آرژانتین (با محوریت قطعیت و عدم‌قطعیت در زندگی روزمره) واکاوی کرده است. نتایج از عدم‌قطعیت و غوطه‌وری اجتناب‌ناپذیر جوانان در آن حکایت دارد. در یک جمع‌بندی، ویژگی‌های زمانی چارچوب اجتماعی مسلط در جوانان آرژانتینی، عبارت‌اند از: عدم‌قطعیت، نبود کنترل بر جریان زندگی، مشکلات برنامه‌ریزی، حال‌گرایی و برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت. کوزوکره (۲۰۱۸) با گردآوری روایت‌هایی از زندگی جوانان هجده‌ساله اهل منطقه ساردینیای ایتالیا، دریافته است که جوانان به‌رغم جریان شتابزدگی و پرمشغله‌گی‌شان در زندگی روزمره، در سطح بیوگرافیکی در مسیر زندگی، آینده را با دیدن حباب‌های زمانی خالی به‌تصویر می‌کشند که درعمل، به‌صورت کندشدگی و انتظار کشیدن نمود می‌یابد. این جریان خلاف روند ضرورت‌های امروزی تبدیل شدن به فردی «مناسب برای کار» و تضمین الگوی «شهروندی فعال» است.

بیشتر تحقیقات تجربی صورت‌گرفته در حوزه زمانمندی گروه‌های اجتماعی، به بررسی تفاوت‌های موجود در جهت‌گیری‌های زمانی طبقات اجتماعی اختصاص دارد؛ ازجمله: یافته‌های پژوهش «لیشان»^۲ نشان داد که بچه‌های طبقات پایین‌تر به جهت‌گیری زمان حال

1. indetermination strategy

2. Leshan

متمايل‌اند و افق زمانی آنها از بچه‌های طبقه متوسط که به‌سوی آینده جهت‌گیری دارند، کوتاه‌تر است. دیگر پژوهش‌ها (لام^۱ و دیگران، ۱۹۷۶: ۳۱۷؛ برنت و جانسون^۲، ۱۹۹۵؛ بیریم و فورر^۳، ۱۹۵۶؛ میلر^۴ و دیگران، ۱۹۶۶ به‌نقل از برگمن، ۱۹۹۲: ۸۶؛ گوال و یوپو، ۲۰۱۵) این فرض را تأیید کرده‌اند. سامر (۲۰۱۹) با انجام دادن پژوهشی در چین جنوبی، طی مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته با ۳۷ نفر از کارگران مهاجر، ۱۳ نفر از کارفرمایان، ۹ نفر از دیگر گروه‌های شغلی و ۱۰ نفر از متخصصان، تحلیل طبقاتی-نسلی از پاره‌پارگی زمانی کارگران به‌دست داد. در ایران، پژوهش تجربی نظام‌مند و مستقلی درباره‌ی زمان انجام نگرفته است. پژوهش پیش‌رو نخستین گام در این زمینه است که ضمن تحلیل جامعه‌شناختی نظام‌مند زمان و زمانمندی در زندگی روزمره، به مقایسه‌ی زمانمندی در گروه‌های اجتماعی نیز پرداخته است.

چارچوب نظری پژوهش

تحلیل طبقاتی زمان و زمانمندی

نقطه‌ی عطف تبیین‌های طبقاتی در حوزه‌ی زمان اجتماعی، نظریه‌ی «پیوستار زمان اجتماعی»^۵ گورویچ است که در ادامه‌ی سنت مارکسیستی و مکتب تضاد قرار می‌گیرد. براساس نظر گورویچ، تنوع زمانمندی‌ها بیش از همه در قالب دیالکتیک چشم‌اندازها یا «تقابل مناظر»^۶ تحلیل‌شدنی است که طی آن، این تقابل‌ها به‌تدریج به شکل گروه‌های اجتماعی عینی درمی‌آیند و هرکدام در کلیت خود در برابر دیگری قرار می‌گیرند (تنهایی، ۱۳۹۱: ۴۰۴) و چه‌بسا این شکل دیالکتیکی در حالت شدیدتر، به تعبیر دیالکتیک مارکسی، به «دیالکتیک قطبی»^۷ کشیده شود. به‌تعبیر گورویچ، طبقه‌ی اجتماعی، پدیده‌ی اجتماعی تام‌پیچیده‌ای است که گونه‌ای از آگاهی طبقاتی و اشتراک‌ها و هدف‌های فرهنگی جمعی را پدید می‌آورد (همان: ۴۳۹).

هر طبقه مقیاس زمانی خاص خود را تولید می‌کند. مقیاس زمانی در سرمایه‌داری‌های رقابتی

-
1. Lamm
 2. Brandt & Johnson
 3. Brim & Forer
 4. Miller
 5. spectrum of social time
 6. the dialectic of reciprocity of perspectives
 7. the dialectic of polarization

پیشرفته مبتنی بر حفظ موقعیت طبقه بورژوازی است. آگاهی طبقه بورژوازی از زمان، در عبارت «زمان پول است» نمود می‌یابد. زمان متناوب بین پیشرفت و تأخیر (تقدم و تأخر) و زمان فریبده که تأخیر را در زیر پیشرفتی ظاهری مخفی می‌سازد، از مهم‌ترین زمان‌های این طبقه‌اند. در طبقه پرولتاریا، دو زمان مقدم‌برخود (زمان آرزوهای غیرقطعی و پیش‌بینی‌نشده) و زمان انفجاری، زمان‌های مورد تأکیدند که ابتدا آینده را درون زمان حال طرح‌ریزی کرده، سپس زمان حال و گذشته را در خلق آینده محو می‌کنند. پس از آن، زمان نامنظم و فریبده قرار دارد. آگاهی از زمان طبقه کارگر، اغلب شکل فرسودگی، انتظار یا امید به خود می‌گیرد. منظور گوریچ از طبقه متوسط، گروه‌های متنوعی از استخدام‌شدگان، اداری‌هایی که حقوقی متوسط به آنها پرداخت می‌شود، افراد حد وسطی در انواع متفاوت کارگران و خویش‌فرمایان^۱ است که به‌طور طبیعی در یک طبقه خاص ساختار بندی نمی‌شوند. آنها آگاهی مبهم، سوداگرا و شکننده‌ای از طبقه‌شان دارند. این گروه‌های حد وسط که می‌توانند از مسیری به مسیر دیگر بروند، بین زمان‌های اجتماعی متنوع پرتاب می‌شوند و حتی در ایجاد یکپارچگی شکننده بین این زمان‌ها ناکام می‌مانند. در این وضعیت، زمان نامنظم کارکرد بسیار مؤثرتری دارد. این گروه‌ها، چه در آگاهی آشکار از زمان مؤثری که در آن زندگی می‌کنند و چه در وحدت بخشیدن به زمان‌های واقعی درون یک مقیاس یا سلطه بر چنین مقیاس زمانی واحدی موفق نمی‌شوند (گوریچ، ۱۹۶۴: ۹۰-۱۰۲).

فیتزپاتریک نیز زمانمندی را در زمینه هژمونی قدرت تضاد طبقاتی موجود در نظام سرمایه‌داری تحلیل می‌کند و معتقد است توزیع ناعادلانه منابع، فرصت‌های زندگی و دسترسی به کالاها، معنا و تجربه زمان در بین طبقات اجتماعی را شکل می‌دهد. اگر زمان «ارتباطی» است و در فضایی جمعی شکل می‌گیرد، پس تضاد طبقاتی شامل تلاش قشر قدرتمند برای تحمیل زمان‌های ذهنی‌شان بر قشر بی‌قدرت و پس از آن، تسلیم شدن یا مقابله کردن با این فرایند است (۲۰۰۴: ۲۱۰).

تحلیل نسلی زمان و زمانمندی

کارل مانهایم از نخستین نظریه‌پردازان حوزه شکاف نسلی است که معتقد است «واقعیت تعلق داشتن به یک طبقه، یک نسل و یا یک گروه سنی، به افراد متعلق به این مقوله‌ها موقعیت مشترکی

در فراگرد تاریخی و اجتماعی می‌دهد، پهنه تجربه بالقوه آنها را به شکل خاصی محدود می‌سازد و آنها را به یک شیوه فکری خاص و کنش تاریخی ویژه این موقعیت متمایل می‌گرداند» (مانهایم، ۱۹۶۸: ۲۹۱ به نقل از قدرتی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۰۲). به‌طور کلی، رهیافت مانهایمی بر تکوین هویت ویژه نسلی با آگاهی و ذهنیت ویژه هر نسل تأکید دارد. برپایه رویکرد مانهایم به تحلیل نسلی می‌توان از هم‌گسیختگی‌های چندگانه ناهم‌زمان و امکان‌پذیر بودن این امر به‌رغم داشتن یک موقعیت طبقاتی مشابه را درک کرد (براندن، ۲۰۱۹). براین اساس می‌توان گفت زمانمندی به‌مثابه فرایندی هویت‌ساز (دی‌آلیسیو و دیگران، ۲۰۰۳: ۳۳۳)، متأثر از فضای فکری، اجتماعی و کنشی خاص هر نسل است. بوردیو نیز در رهیافت تضادگرایانه خود بر توزیع امکانات و منابع و موقعیت نابرابر نسل‌های مختلف از نظر برخورداری یا محرومیت از امکانات و فرصت‌های موجود اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در عرصه‌های مختلف تأکید دارد (توکل و قاضی‌نژاد، ۱۳۸۵). به‌زعم بوردیو، نابرخورداری از حمایت دولت و در نتیجه، فقر و بیکاری، «آینده‌ای منفعلانه» را خلق می‌کند. افراد بیکار در طول زندگی اجتماعی، تنها می‌توانند زمان آزادی را تجربه کنند که برای آنها به‌مثابه زمان «مرده»، بدون هدف و بدون معنا رها می‌شود (بوردیو، ۲۰۰۰: ۲۲۲).

اما در رویکردهای مستقیم‌تر به تبیین تفاوت زمانمندی جوانان با دیگر نسل‌ها می‌توان گفت ساخت بیوگرافیکی «نقطه‌نقطه» منجر به ازهم‌گسیختگی زمان گذشته، حال و آینده در نسل جوان شده و جهت‌گیری معطوف به آینده و برنامه‌ریزی‌های بلندمدت را در آنها تضعیف کرده است. ویژگی عمومی نسل هزاره جدید، افزایش شکاف و تناقض بین انتقال به تأخیرافتاده و غیرخطی جوانان به بزرگسالی ازسویی و تصدیق «فرهنگ فوریت»^۱ از دیگر سو است که بیش از پیش در همه حوزه‌های زندگی اجتماعی و نهادی گسترش یافته است. این تناقض، بی‌تعادلی بین کند بودن و سرعت را بیشتر می‌کند (لکاردی، ۲۰۱۲: ۶۹). جولیا کوک (۲۰۱۵) نیز نقطه عزیمت تحلیل خود از زمانمندی را عدم قطعیت جوانان در بلندمدت و شرح حال‌های مسلط از تنازع‌های کوتاه‌مدت در مقابل «آینده جامعوی» قرار داده است. به‌طور خلاصه، برساخت اجتماعی جوانان در سال‌های اخیر، در حال تغییر است. زمان بیوگرافیکی مبتنی بر ایده «گام‌های» پیشرفت در مسیر بزرگسالی و مبتنی بر زمینه‌های خطی به چالش کشیده می‌شوند.

فرضیه‌های تحقیق

- بین تعلق طبقاتی و شاخص‌های زمانمندی رابطه وجود دارد.
- بین تعلق طبقاتی و زمانمندی توسعه‌مدار رابطه وجود دارد.
- بین تعلق طبقاتی و زمانمندی توسعه‌ستیز رابطه وجود دارد.
- بین تعلق به یک واحد نسلی (گروه سنی) و شاخص‌های زمانمندی رابطه وجود دارد.
- بین تعلق به یک واحد نسلی (گروه سنی) و زمانمندی توسعه‌مدار رابطه وجود دارد.
- بین تعلق به یک واحد نسلی (گروه سنی) و زمانمندی توسعه‌ستیز رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش پیش‌رو از نوع پیمایشی-زمینه‌یابی است. جامعه آماری جمعیت ۲۰ تا ۵۵ ساله شهر اصفهان است و حجم نمونه با استفاده از نرم‌افزار SPSS Sample Power تعیین شد. براین اساس، با در نظر گرفتن فرضیه‌های دوره‌ای، حجم اثر ۰/۲، انحراف معیار ۱/۲، سطح اطمینان ۹۵ درصد، سطح خطای ۰/۰۵ و توان آزمون ۸۰ درصد، از بین سناریوهای پیشنهادی نرم‌افزار، حجم نمونه ۵۸۶ نفر ملاک قرار گرفت. برای انتخاب جامعه نمونه از دو شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای (تفکیک طبقاتی مناطق و محله‌های شهر) و نمونه‌گیری سهمیه‌ای برحسب توزیع جنسی و سنی جمعیت محله‌های انتخاب‌شده، مطابق با آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۵ استفاده شد. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه پژوهشگرساخته گردآوری شد. اعتبار پرسشنامه، با نظر استادان و صاحب‌نظران حوزه مطالعاتی، صورتی است. در مجموع، ۸۴ گویه برای سنجش متغیر اصلی (زمانمندی) طراحی شد. برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های t و تحلیل واریانس در نرم‌افزار SPSS استفاده شد. همچنین، برای برآورد دقیق‌تر تفاوت میانگین نمرات طبقات اجتماعی در دو گونه زمانمندی مورد بررسی، از الگوی تحلیل ساختارهای میانگین در نرم‌افزار AMOS استفاده شد.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

الف) متغیرهای مستقل

در این پژوهش، متغیرهای مستقل، گروه‌های اجتماعی شامل گروه‌های سنی و طبقات

اجتماعی‌اند که به‌زعم وبر شالوده‌ای برای کنش اشتراکی فراهم می‌سازند (آوتویت و باتامور^۱، ۱۳۹۲: ۷۷۷). طبقه اجتماعی، سلسله‌مراتب اجتماعی است که افرادی با موقعیت‌های یکسان را در یک گروه قرار می‌دهد (انصاری، ۱۳۷۸: ۲). برای قشربندی اجتماعی، با استفاده از «شاخص اجتماعی-اقتصادی دانکن»^۲ پاسخگویان برحسب ۳ شاخص وجهه شغلی، تحصیلات و درآمد، در سه طبقه اجتماعی بالا، متوسط و پایین رتبه‌بندی شدند.

گروه‌های سنی بررسی‌شده، نسل‌های جوان و میانسال بودند. با توجه به تعریف سازمان ملی جوانان (کاظمی‌پور، ۱۳۹۶ به نقل از خبرگزاری تحلیلی ایران)، دامنه سنی ۲۰ تا ۲۹ سال برای جوانان در نظر گرفته شد. دوران میانسالی نیز بین ۳۵ تا ۵۸ سالگی است (آبرامز^۳، ۲۰۱۰ به نقل از خبرگزاری تحلیلی ایران، ۱۳۸۸؛ دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت سازمان ثبت احوال، ۱۳۹۰؛ ایسنا، ۱۳۹۱). نظر به تفاوت چشمگیر گروه سنی ۳۰ تا ۴۰ ساله با افراد ۴۰ سال به بالا در مواردی از جمله وضعیت استخدام و بازنشستگی، میزان ثبات شغلی، تعداد و بازه سنی فرزندان که تأثیر چشمگیری بر زمان‌بندی روزانه افراد دارند، دو گروه سنی میانسال ۳۰ تا ۴۰ و ۴۱ تا ۵۵ جداگانه تحلیل شدند. به‌زعم مانهایم، گروه‌هایی که درون یک نسل روی مصالح مشترکشان به شیوه‌های گوناگون خاص خود کار می‌کنند، واحدهای نسلی جداگانه‌ای به‌شمار می‌آیند (کوزر، ۱۳۷۳: ۵۶۹).

ب) متغیرهای وابسته

متغیر وابسته، زمانمندی و ابعاد مختلف آن است. زمان مفهومی با وجوه متعدد (می‌یر سالی‌نگ، ۲۰۰۷)، اعم از وجوه عینی نمایانگر نحوه سازماندهی زمانی زندگی روزمره و وجوه ادراکی و ذهنی چون گذر زمان، سرعت، توالی، استمرار یا گسستگی و جهت‌گیری‌های زمانی است. در مجموع، ۱۸ شاخص و خرده‌شاخص معرف زمانمندی کنشگران بودند. برای سنجش همه این متغیرها، گویه‌هایی در قالب طیف پنج‌درجه‌ای لیکرت (از کمترین نمره ۱ (برای گزینه «اصلاً») تا بیشترین نمره ۵ (برای گزینه «همیشه»)) طراحی شد. در جدول ۱ تعریف مختصری از این شاخص‌ها و خرده‌شاخص‌ها به‌همراه تعداد گویه‌های طراحی‌شده برای هر شاخص و

1. W. Outhwaite & T.B. Bottomore
2. duncan's socio-economic index
3. D. Abrams

ضریب پایایی آنها ارائه شده است. ضرایب نشان می‌دهد که گویه‌های مربوط به هر متغیر، هماهنگی درونی پذیرفتنی‌ای دارند. کمینه بودن سطح پایایی در برخی متغیرها (پایایی برابر با ۰/۵) ناشی از کم بودن تعداد گویه‌های آنها به دلیل محدودیت حجم پرسشنامه بود.

جدول ۱. تعریف متغیرهای زمانی و ضرایب پایایی گویه‌های طراحی شده برای سنجش آنها

آلفای کرونباخ	تعداد گویه	تعریف مفهومی و تعریف عملیاتی	خرده‌شاخص‌ها
۰/۵۴	۳	فراوانی وقوع حوادث در یک دوره زمانی با یک واحد زمانی، (زرریا، ۱۹۸۱) با ویژگی‌هایی چون فشردگی زمانی و احساس کمبود وقت در تمامی لایه‌ها و سطوح زندگی روزمره، اعم از محیط کار، زمان شخصی یا زمان خانواده	سرعت
۰/۵۸۵	۳	فرآیندی که طی آن پایداری به یک برنامه زندگی مداوم و فهم از زندگی خوب مبتنی بر تعهدات بلندمدت، استمرار و ثبات با آهنگ سریع تغییر اجتماعی خشی می‌شود (رز، ۲۰۱۳: ۱۰۰) و یک «بی‌قراری اضطراب‌زده» در همه برهمکنش‌های اجتماعی با آیین سرعت همراه می‌شود (واستال، ۲۰۱۴: ۹۵). وجه عینی شتابزدگی غلبه زمان کمی بر زمان کیفی و وجه کمی آن اضطراب گذر زمان است.	«شتابزدگی» ^۱
۰/۷	۳	ایستایی یا پویایی کنشگران در مسیری که اعمال منفرد آنها را به کلیت زندگی آنها پیوند می‌زند.	حرکت
۰/۵۴	۶	عامل درگیر در پراکسیس، زمان حال را به‌مثابه نقطه برخورد معناداری از لایه‌های رسوب‌شده تجربیات گذشته و آمادگی برای نوآوری تجربه می‌کند (هامر، ۲۰۱۱: ۶۸). تکثر زمانی، مشارکت در فعالیت‌های گروهی در فضایی از اعتماد متقابل و استقبال از تغییرآفرینی در پرتو چشم‌اندازی از ایدئال جامعه خوب از ویژگی‌های این نوع حرکت است.	حرکت فرآیندی ^۲
۰/۷۷	۳	زمان خطی از قطعات زمانی متوالی است که در یک تقسیم‌بندی و نظم‌بندی زمانی کمی، زمان گذشته را به حال و آینده پیوند می‌دهد و انسان را درون یک زمان‌بندی مکانیکی ملال‌آور درمی‌افکند (کاتوویچ، ۱۹۸۷) با ویژگی‌هایی چون حرکت پیوسته در مسیر یک هدف عینی از پیش تعیین شده و مشخص با انگیزه پیشرفت قوی و برنامه‌ریزی منظم و متوالی برای رسیدن به هدف موردنظر.	حرکت خطی ^۳ و متوالی

1. acceleration
2. processual move
3. liner move

ادامه جدول ۱. تعریف متغیرهای زمانی و ضرایب پایایی گویه‌های طراحی شده برای سنجش آنها

آلفای کرونباخ	تعداد گویه	تعریف مفهومی و تعریف عملیاتی	خرده شاخص‌ها
۰/۵	۳	کنشگران انسانی «معنای گذشته را از طریق برساخت زندگی اجتماعی در زمان حال و نیز پارامترهایی را برای فعالیتی که در آینده رخ خواهد داد، تثبیت می‌کنند» (کاتوویچ، ۱۹۸۷: ۳۷۴). انجام دادن فعالیت‌های تکراری، یکنواخت و به نسبت منظم، فقط به منظور گذران بهتر امور روزمره بدون داشتن افق زمانی بلندمدت و بدون گذران خلاقانه و هدفمند زمان از ویژگی‌های این نوع حرکت است.	حرکت مکرر ^۱ و یکنواخت خرده شاخص‌های حرکت
۰/۷	۴	زمان از انتظارات تعهدشده قبلی باز می‌شود، روال‌های روزانه را مختل کرده، «پارگی زمانی» ^۲ ایجاد می‌کند. (گیم، ۱۹۹۷: به نقل از لارسون، ۲۰۰۴: ۲۸). انجام دادن فعالیت‌های منقطع و از هم گسسته که منجر به قطع ارتباط بین گذشته، حال و آینده فرد می‌شود، همراه با حس رکود، حس درجا زدن و بازماندن از ادامه حرکت در مسیر هدف‌های مشخص، از ویژگی‌های این نوع حرکت است.	حرکت گسسته
۰/۷۵	۵	برای افرادی که درک پیوستاری از زمان دارند، هر اقدامی در زمان حال منوط به گذشته و سنگ بنای آینده است؛ شامل راهبردهای زمانی و روش‌هایی که انسان بالنده به کار می‌گیرد تا اعمال خود را از آموخته شدن در گذشته تا رشد و بالندگی در آینده به پیش براند. (گیم، ۱۹۹۷: ۱۱۸-۱۲۱ به نقل از آنسل پیرسون و مولر کی: ۱۳۸۹). در مقابل، «درک گسسته از زمان»، دیدن لحظه‌های زمان به صورت نقطه نقطه و آنی است. تصمیم‌گیری لحظه‌ای، بدون داشتن پیش‌زمینه یا فکر کردن به پیامدهای آینده، نشان‌دهنده درک زمانی از هم گسیخته است. کسب نمره زیاد در گویه‌ها بیانگر درک گسسته از زمان و به عکس، کسب نمره کم نشان‌دهنده درک پیوستاری از زمان است.	گسستگی/پیوستگی
۰/۶۴	۵	عدم قطعیت با ویژگی‌هایی چون غرق شدن در حوادث پیرامون خود، نبود برنامه‌ریزی و زمان‌بندی از پیش تعیین شده، افق زمانی تقلیل یافته و مبهم دیدن آینده خود سنجیده شده است. کسب نمره زیاد در این گویه‌ها بیانگر «عدم قطعیت» و برعکس، کسب نمره کم نشان‌دهنده «قطعیت» است.	قطعیت/عدم قطعیت
۰/۷۶	۳	به زعم لانگو (۲۰۱۵)، آیا کنشگران قهرمانان زندگی خویش‌اند یا فاعلاتی هستند که ناآگاهانه در حوادثی غرق می‌شوند که آنها را احاطه می‌کند.	کنترل بر زمانمندی خویش

1. iterative move
2. temporal rupture

ادامه جدول ۱. تعریف متغیرهای زمانی و ضرایب پایایی گویه‌های طراحی شده برای سنجش آنها

آلفای کرونباخ	تعداد گویه	تعریف مفهومی و تعریف عملیاتی	خرده‌شاخص‌ها	
۰/۷۵	۵	کنشگران به شدت تحت سلطهٔ زمانبندی‌های نهادی و سازمانی از پیش تعریف شده قرار می‌گیرند یا بیشتر وقت خود را به کارهای دیگران، از جمله خانواده، اختصاص می‌دهند.	زمان تحمیلی	خرده‌شاخص‌های کنترل بر زمانمندی
۰/۶۲	۴	افراد زمانشان را به حال خود رها می‌کنند و وقت خود را هدر می‌دهند.	زمان مرده	
۰/۸۷	۳	مدیریت خودمختارانهٔ زمان خود، تنظیم روال حرکت و سرعت خود در مسیر زندگی و زمان‌بندی بهینهٔ اوقات خود.	زمان فعال	
۰/۸۷	۶	این متغیر براساس میزان تغییراتی که شهروندان طی دو سال گذشته در جنبه‌های مختلف زمانمندی خویش به عمل آورده‌اند، با نمره‌گذاری بر روی طیف پنج‌درجه‌ای از بسیار کم (نمره ۱) تا بسیار زیاد (نمره ۵)، سنجش شد.	بازاندیشی عمل‌گرایانه در زمانمندی خویش	
۰/۸	۱۱	انتظام زمانی فعالیت‌های زندگی روزمره که نظم زمانی، زمان‌بندی و برنامه‌ریزی در کارها، وقت‌شناسی، پایبندی به ضرب‌الاجل‌ها و هماهنگی زمانی در زندگی روزمره (لی-لیبناو؛ ۲۰۰۰) به نقل از می‌یر سالینگ، (۲۰۰۷) را دربر می‌گیرد.	سازمان زمانی	
۰/۶۷	۴	برنامه‌ریزی دقیق، سخت و به نسبت انعطاف‌ناپذیر برای انجام دادن امور روزانه	زمان‌بندی	خرده‌شاخص‌های سازمان زمانی
۰/۸	۵	وقت‌شناسی و داشتن انتظام زمانی انعطاف‌پذیر در فعالیت‌ها	نظم زمانی	
۰/۶۵	۲	انجام ندادن به موقع کارها	ناهنجاری	
۰/۵۷	۱۰	تمایل فرد به تأکید بر چارچوب‌های گذشته، حال یا آینده (بوید و زیباردو، ۲۰۰۵).	جهت‌گیری زمانی	
۰/۵	۲	توجه زیاد کنشگران به پیامدهای اعمالشان و مدنظر قرار دادن خشنودی‌های بلندمدت.	آینده‌گرایی	خرده‌شاخص‌های جهت‌گیری زمانی
۰/۶۹	۴	دربرگیرندهٔ گسترهٔ وسیعی از افراد، از کسانی که برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت برای زمان حال و آیندهٔ نزدیک خود دارند تا کسانی که در لحظه زندگی می‌کنند و دم را غنیمت می‌شمارند.	حال‌گرایی	
۰/۵	۴	تصمیم‌گیری و اقدام کنشگران در پاسخ به بازخداد تجربه‌های گذشته‌شان (زیباردو، ۱۹۹۹ به نقل از دی آلسیو و دیگران، ۲۰۰۳: ۳۳۶-۳۳۷) که در رفتارهایی چون فکر کردن به گذشته، تمایل به بازگشت به گذشته یا پیوند عمیق فرد با خاطرات نوستالژیک گذشتهٔ خویش نمود می‌یابد.	گذشته‌گرایی	

ادامه جدول ۱. تعریف متغیرهای زمانی و ضرایب پایایی گویه‌های طراحی شده برای سنجش آنها

آلفای کرونباخ	تعداد گویه	تعریف مفهومی و تعریف عملیاتی	خرده شاخص‌ها
۰/۷۸	۶	چشم‌انداز زمان اجتماعی به‌منابۀ «ترتیب حوادث اجتماعی آینده که برای شخص به‌عنوان عضوی از یک واحد اجتماعی معین معنادار است» درک می‌شود (اوراند و آلیس، ۱۹۷۴) یا به‌تعبیر «لوچر» (۱۹۷۵)، معطوف است به اینکه کنشگران چه آینده‌ای را در حوادث اجتماعی انتظار می‌کشند (برگمن، ۱۹۹۲: ۸۸). این مفهوم در پژوهش پیش‌رو، در قالب متغیر «چشم‌انداز زمان اجتماعی (مبتنی بر درک خوش‌بینانه/بدبینانه از آینده جامعه)» سنجیده شد. کنشگران در چشم‌اندازی فراتر از برنامه‌های شخصی، وضعیت آینده خود را در آینده اوضاع اجتماعی و اقتصادی جامعه تحلیل و تفسیر می‌کنند و انتظار تجربه کردن حوادث خاصی را دارند.	چشم‌انداز زمان اجتماعی
۰/۷۷۷	۸	یک زمانمندی کارآمد و پویا که کنشگران را در مسیر توسعه خود و جامعه قرار می‌دهد؛ متشکل از میانگین نمره‌های پاسخگویان در متغیرهای سرعت اجتماعی، حرکت خطی، حرکت فرایندی، زمان فعال، بازاندیشی در زمانمندی خود، نظم زمانی، زمان‌بندی و جهت‌گیری معطوف به آینده.	زمانمندی توسعه‌مدار
۰/۸۶۱	۱۰	زمانمندی ناکارآمدی که منجر به رکود و سکون افراد شده، آنها را از مسیر توسعه بازمی‌دارد؛ متشکل از میانگین نمره‌های پاسخگویان در متغیرهای شناپردگی، حرکت گسسته و نامتظم، حرکت مکرر و یکنواخت، درک گسسته از زمان، عدم قطعیت، زمان تحمیلی، زمان مرده، بی‌نظمی زمانی، حال‌گرایی، گذشته‌گرایی و چشم‌انداز زمان اجتماعی منفی.	زمانمندی توسعه‌ستیز

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه بررسی‌شده: ۵۱/۴ درصد از پاسخگویان مرد و ۴۸/۶ درصد زن بودند. از نظر توزیع سنی، ۲۸/۵ درصد از پاسخگویان در گروه سنی ۱۹-۲۹، ۳۶/۹ درصد در گروه سنی ۳۰-۴۰ و ۳۴/۶ درصد در گروه سنی ۴۱-۵۵ قرار داشتند. از نظر سطح تحصیلات، ۱۷/۱ درصد زیردیپلم، ۲۸/۸ دیپلم، ۱۱/۱ درصد کاردانی، ۲۷/۳ درصد کارشناسی،

1. Orand & Ellis
2. Luscher

۱۱/۶ درصد کارشناسی‌ارشد، ۳/۱ دکتری و ۱ درصد دارای تحصیلات حوزوی بودند. ۴۴/۵ درصد از پاسخگویان در طبقه پایین، ۴۰/۸ درصد در طبقه متوسط و ۱۴/۷ درصد در طبقه بالا جای گرفتند.

۲. آماره‌های توصیفی مربوط به شاخص‌ها و خرده‌شاخص‌های زمانمندی: نتایج این بخش در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. آماره‌های توصیفی متغیرهای زمانی

متغیر	فواصل	کمترین نمره	بیشترین نمره	میانگین	انحراف استاندارد	جبرگی	شیبگی	انحراف میانگین یا حد متوسط مقیاس	t	Sig	حد وسط = ۳	
سرعت اجتماعی	۵۷۷	۱	۵	۳/۸۸	۰/۸۹	-۰/۶۰۴	۰/۳۳۵	۰/۸۸۸	۲۴	۰/۰۰۰		
شتابزدگی	۵۶۴	۱	۵	۲/۸۸	۰/۹۲	۰/۴۳۲	-۰/۱۸۷	-۰/۲۱	-۵/۶	۰/۰۰۰		
حرکت فرایندی	۵۷۶	۱	۵	۳/۱	۰/۸۹	۰/۰۰۶	-۰/۲۲	۰/۱۰۲	۳/۱	۰/۰۰۰		
حرکت خطی	۵۶۶	۱	۵	۳/۲۵	۰/۸۰	-۰/۱۳۴	-۰/۴۹۵	۰/۲۵۱	۷/۴	۰/۰۰۰		
حرکت تکرار	۵۷۸	۱	۵	۲/۹۲	۰/۸۰	۰/۰۹	۰/۰۷۶	-۰/۰۷۵	-۲/۲۶	۰/۰۰۲		
حرکت گسسته	۵۷۸	۱	۵	۲/۸۲	۰/۸۹	۰/۱۸۸	-۰/۴۳۳	-۰/۲۷۴	-۷/۴۲	۰/۰۰۰		
درک گسسته از زمان	۵۷۸	۱	۵	۲/۶۸	۰/۸۴	۰/۲۰۸	-۰/۴۰۲	-۰/۳۱۹	-۹/۰۸	۰/۰۰۰		
عدم قطعیت	۵۷۶	۱	۴/۸	۲/۸۹	۰/۷۵	۰/۲۱۳	-۰/۲۴۸	-۰/۲۱	-۶/۷	۰/۰۰۰		
زمان فعال	۵۸۱	۱	۵	۳/۳	۰/۹۴	-۰/۱۳۶	-۰/۳۴۵	۰/۳	۷/۳۶۵	۰/۰۰۰		
زمان تحمیلی	۵۵۶	۱	۵	۲/۸۴	۰/۹	۰/۱۹۱	-۰/۶۲۳	-۰/۲۵۷	-۶/۸۳	۰/۰۰۰		
زمان مرده	۵۸۱	۱	۵	۲/۵۵	۰/۸	۰/۴۲۴	-۰/۱۷۸	-۰/۴۵۳	-۱۳/۵	۰/۰۰۰		
بازاندیشی در زمانمندی خود	۵۷۷	۱	۵	۳/۱	۰/۷۱	-۰/۰۸۷	۰/۰۹۱	۰/۱	۳/۳۶	۰/۰۰۰		
نظم زمانی	۵۷۱	۱	۵	۳/۶	۰/۸۳	-۰/۴۳۳	۰/۲۲	۰/۶	۱۹/۹۷	۰/۰۰۰		
زمان‌بندی	۵۷۱	۱	۵	۳/۱	۰/۸	-۰/۱۶۸	۰/۰۶	۰/۱۰۲	۳/۰۶	۰/۰۰۰		
ناپهنگامی	۵۸۵	۱	۵	۲/۷	۰/۹۸	۰/۰۳۵	-۰/۶۰۳	-۰/۲۹۱	-۷/۱۵	۰/۰۰۰		
آینده‌گرایی	۵۸۳	۱	۵	۳/۳۱	۰/۹۲	-۰/۰۴۹	-۰/۳۵۲	۰/۳۱۲	۸/۱۹	۰/۰۰۰		
حال‌گرایی	۵۷۸	۱	۵	۲/۹	۰/۸۳۸	۰/۰۸۴	-۰/۱۵۲	-۰/۱	-۲/۸۹	۰/۰۰۰		
گذشته‌گرایی	۵۶۹	۲	۰/۲۵	۰/۹۵	۰/۴۲	۰/۳۱	۰/۵۶	-۰/۰۴۷	-۲/۷	۰/۰۰۱		
چشم‌انداز زمان اجتماعی بدبینانه	۵۷۶	۱	۵	۳/۰۷	۰/۸۷	-۰/۰۰۶	-۰/۳۹	۰/۰۷۴	۲/۰۶	۰/۰۰۲		
زمانمندی توسعه‌مدار	۵۸۶	۱	۵/۵	۳/۸۳	۰/۶	-۰/۱۴۹	۰/۱۷	۰/۸۳	۲۹/۶	۰/۰۰۰		
زمانمندی توسعه‌سستیز	۵۸۶	۱/۳۱	۴/۱۹	۲/۶۵	۰/۵۴۵	۰/۱۰۱	-۰/۱۸۷	-۰/۳۴۷	-۱۵/۴	۰/۰۰۰		

میانگین نمره سرعت اجتماعی به طور معناداری از حد متوسط مقیاس بیشتر (برابر با ۳/۷۸) و میانگین نمره شتابزدگی به طور معناداری از حد وسط مقیاس کمتر (برابر با ۲/۷۸) است که نشان‌دهنده روند روبه‌افزایش سرعت در بین شهروندان است. در دیگر متغیرهای زمانی، نمره‌ها به حد وسط توزیع نرمال نزدیک‌اند. کمترین میانگین نمره به ترتیب مربوط به متغیرهای «زمان مرده» با کجی مثبت برابر با ۰/۴۲ و «درک گسسته از زمان» با کجی مثبت برابر با ۰/۲ است که نشان می‌دهد نمره‌ها بیشتر در سویه منفی طیف قرار گرفته‌اند. در مقابل، متغیرهای سرعت اجتماعی، حرکت خطی، زمان فعال، نظم زمانی و بازاندری در زمانمندی خویش که به ترتیب دارای کجی منفی برابر با ۰/۶، -۰/۱۳، -۰/۱۳، -۰/۰۸، -۰/۴۲ هستند، حاکی از نمره‌های بیشتر از حد متوسط اکثر شهروندان اصفهانی در وجوه مثبت زمانمندی است.

ب) یافته‌های استنباطی

نتایج حاصل از اجرای آزمون تحلیل واریانس تک‌راهه و آزمون تعقیبی توکی برای تک‌تک فرضیه‌ها، در جدولی مشترک (جدول ۳) ارائه شده است.

جدول ۳. آزمون تفاوت میانگین نمره‌های شاخص‌های زمانمندی در طبقات

متغیرها	نمره F	sig	میانگین رتبه‌ای	میانگین حسابی	طبقات اجتماعی	طبقه بالا	طبقه متوسط	طبقه پایین
سرعت اجتماعی	۴/۴۲	۰/۰۱۶	۳۰۲/۱	۳/۸۸	طبقه بالا	---	۰/۲۶۷	۰/۰۰۰
			۲۹۵/۳	۳/۸۵	طبقه متوسط	---	---	۰/۰۰۰
			۲۶۴/۰۱	۳/۶۷	طبقه پایین	---	---	---
شتابزدگی	۱۷/۶۷	۰/۰۰۰	۲۱۴/۵	۲/۴۱	طبقه بالا	---	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
			۲۸۰/۲	۲/۸	طبقه متوسط	---	---	۰/۰۰۰
			۳۱۴/۲	۲/۹۷	طبقه پایین	---	---	---
حرکت خطی	۱۶	۰/۰۰۰	۳۳۳/۴۷	۳/۵۱	طبقه بالا	---	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
			۲۸۷/۸۲	۳/۳	طبقه متوسط	---	---	۰/۰۰۰
			۲۳۸/۹	۳	طبقه پایین	---	---	---
حرکت تکرار	۵/۳۸	۰/۰۰۱	۲۴۶/۶۴	۲/۸۵	طبقه بالا	---	۰/۱۱	۰/۰۰۰
			۲۸۰/۵۶	۲/۸۹	طبقه متوسط	---	---	۰/۰۶۲
			۳۰۹/۳۷	۳/۰۳	طبقه پایین	---	---	---
حرکت گسسته	۲۵/۹۶	۰/۰۰۰	۲۱۷/۷	۲/۳۶	طبقه بالا	---	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
			۲۶۶/۳	۲/۶۳	طبقه متوسط	---	---	۰/۰۰۰
			۲۳۸/۸۴	۳	طبقه پایین	---	---	---
درک گسسته از زمان	۷/۷۱	۰/۰۰۰	۲۵۲/۵۳	۲/۵	طبقه بالا	---	۰/۰۴۲	۰/۰۰۰
			۲۶۹/۱۱	۲/۶	طبقه متوسط	---	---	۰/۰۰۰
			۳۱۶/۰۵	۲/۸۳	طبقه پایین	---	---	---

ادامهٔ جدول ۳. آزمون تفاوت میانگین نمره‌های شاخص‌های زمانمندی در طبقات

متغیرها	نمرهٔ F	sig	میانگین رتبه‌ای	میانگین حسابی	طبقات اجتماعی	طبقه بالا	طبقه متوسط	طبقه پایین
عدم قطعیت	۷/۳۷	۰/۰۰۰	۲۵۳/۶	۲/۶۴	طبقه بالا	—	۰/۰۱۷	۰/۰۰۰
			۲۶۸/۳۲	۲/۸۲	طبقه متوسط	—	—	۰/۰۱۲
			۳۱۳/۸۸	۲/۹۳	طبقه پایین	—	—	—
زمان فعال	۱۰/۰۹	۰/۰۰۰	۳۲۴/۶	۳/۵	طبقه بالا	—	۰/۱۹	۰/۰۰۰
			۳۰۰/۴۸	۳/۳۸	طبقه متوسط	—	—	۰/۰۰۰
			۲۵۱/۵۵	۳/۰۹	طبقه پایین	—	—	—
زمان مرده	۱۱/۴۵	۰/۰۰۰	۲۴۰/۸۸	۲/۳۱	طبقه بالا	—	۰/۰۰۸	۰/۰۰۰
			۲۷۶/۶	۲/۵	طبقه متوسط	—	—	۰/۰۰۰
			۳۲۱/۵	۲/۸۱	طبقه پایین	—	—	—
بازاندیشی در زمان	۹/۹۶	۰/۰۰۰	۳۱۹/۶۱	۳/۲۶	طبقه بالا	—	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
			۳۰۲/۹۵	۳/۱۸	طبقه متوسط	—	—	۰/۰۰۴
			۲۴۷/۱۴	۲/۹۵	طبقه پایین	—	—	—
نظم زمانی	۲۴/۵۲	۰/۰۰۰	۳۴۱/۲۹	۳/۸۷	طبقه بالا	—	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰
			۲۹۸/۷۹	۳/۷	طبقه متوسط	—	—	۰/۰۰۰
			۲۳۰/۰۷	۳/۳۷	طبقه پایین	—	—	—
زمان بندی	۲/۹۴	۰/۰۰۱	۳۰۵/۵۷	۳/۲۲	طبقه بالا	—	۰/۰۰۴	۰/۰۰۱
			۳۸۲/۵۱	۳/۱	طبقه متوسط	—	—	۰/۸۳
			۲۶۵/۹۱	۳	طبقه پایین	—	—	—
نابهنگامی	۱۲/۵۴	۰/۰۰۰	۲۴۰/۶۲	۲/۴۱	طبقه بالا	—	۰/۰۱۶	۰/۰۰۰
			۲۸۰/۲۲	۲/۶۴	طبقه متوسط	—	—	۰/۰۱۴
			۳۲۲/۳	۲/۹۱	طبقه پایین	—	—	—
آینده‌گرایی	۷/۳۵	۰/۰۰۰	۳۱۹/۹۴	۳/۴۷	طبقه بالا	—	۰/۰۷	۰/۰۰۰
			۲۹۸/۹۳	۳/۳۸	طبقه متوسط	—	—	۰/۰۲۸
			۲۵۸/۱۱	۳/۱۴	طبقه پایین	—	—	—
حال‌گرایی	۲۳/۶۶	۰/۰۰۰	۲۲۰/۰۹	۲/۵۶	طبقه بالا	—	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰
			۲۶۹/۸۵	۲/۸۲	طبقه متوسط	—	—	۰/۰۰۰
			۳۳۴/۶۹	۳/۱۴	طبقه پایین	—	—	—
گذشته‌گرایی	۸/۱۹	۰/۰۰۰	۲۴۷/۳۷	۰/۸۶	طبقه بالا	—	۰/۲۸۷	۰/۰۰۰
			۲۶۷/۱۳	۰/۹۱	طبقه متوسط	—	—	۰/۰۰۴
			۳۰۹/۴۵	۱/۰۲	طبقه پایین	—	—	—
چشم‌انداز بدبینانهٔ زمان اجتماعی	۹/۴۳	۰/۰۰۰	۲۴۲/۷۱	۲/۸۶	طبقه بالا	—	۰/۰۰۵	۰/۰۰۰
			۲۷۲/۱	۳	طبقه متوسط	—	—	۰/۰۲۶
			۳۱۶/۵	۳/۲۴	طبقه پایین	—	—	—
زمانمندی توسعه‌مدار	۲۱/۵۷	۰/۰۰۰	۳۴۷/۳۳	۳/۹۳	طبقه بالا	—	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
			۳۰۸/۳۳	۳/۸	طبقه متوسط	—	—	۰/۰۰۰
			۳۳۷/۶۱	۳/۵۵	طبقه پایین	—	—	—
زمانمندی توسعه‌ستیز	۲۶/۲۱	۰/۰۰۰	۲۲۵/۱	۲/۴۳	طبقه بالا	—	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
			۲۶۶/۴۴	۲/۵۹	طبقه متوسط	—	—	۰/۰۰۰
			۳۴۴	۲/۸۱	طبقه پایین	—	—	—

نتایج نشان می‌دهد که تنها در دو متغیر حرکت فرایندی و زمان تحمیلی، اختلاف معناداری بین نمره‌های طبقات بالا، پایین و متوسط وجود ندارد.^۱ در دیگر متغیرها، مقادیر F در سطح خطای کمتر از ۵ درصد حاکی از بیشتر بودن اختلاف‌های بین‌گروهی نسبت به اختلاف‌های درون‌گروهی است. مقایسه‌های دوتایی نیز گویای آن است که طبقه‌های بالا و پایین در همه متغیرها با یکدیگر اختلاف معنادار دارند. نمره‌های طبقه‌های متوسط و بالا نیز در همه متغیرها به‌جز آینده‌گرایی و گذشته‌گرایی و نمره‌های طبقه‌های متوسط و پایین در همه متغیرها به‌جز حرکت تکرار و زمان‌بندی با یکدیگر تفاوت معنادار دارند. براساس میانگین‌های حسابی و رتبه‌ای، طبقه پایین در وجوه ناکارآمد زمانی میانگین نمره بیشتر و در وجوه کارآمد زمانی نمره کمتری نسبت به دیگر طبقات دارد.

براساس نتایج جدول ۴، تنها در متغیرهای حرکت فرایندی، زمان تحمیلی، زمان مرده، زمان‌بندی و نابهنگامی، بین گروه‌های سنی ۲۰-۲۹ سال و ۴۱-۵۵ سال تفاوت معنادار در حداقل فاصله اطمینان ۹۵ درصد و حداکثر خطای کمتر از ۵ درصد ($sig < 0/05$) وجود دارد. این نتیجه به معنای آن است که نسل جوان، کمتر از نسل‌های پیش از خود حرکت‌های فرایندی و خطی داشته‌اند؛ زمان‌بندی‌های از پیش تعیین‌شده و اجباری را کمتر تجربه کرده‌اند که بیکاری یا وارد نشدن به مرحله اشتغال و نیز تجرد و نداشتن مسئولیت‌های خانوادگی، به‌ویژه بار تکفل، را می‌توان از دلایل اصلی آن دانست. به موازات نبود زمان‌بندی‌های ثابت و منظم، زمان مرده و نابهنگامی در نسل جوان بیشتر از دیگر نسل‌هاست. در متغیر زمان مرده، علاوه بر نسل اول و سوم، بین نسل سوم و نسل میانی نیز تفاوت معنادار وجود دارد. میانگین نمره‌های زمانمندی توسعه‌مدار نیز در نسل میانسال، بیشتر از نسل جوان است؛ حال آنکه گروه‌های سنی مختلف زمانمندی توسعه‌ستیز را یکسان تجربه کرده‌اند.

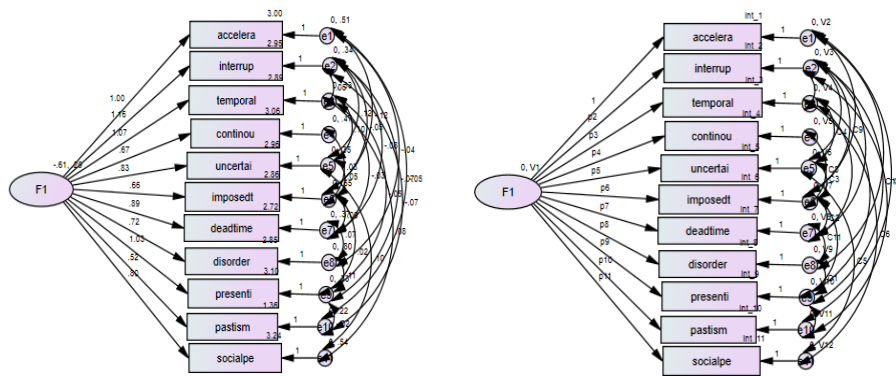
۱. شایان ذکر است به دلیل بیش‌ازحد ذهنی بودن متغیر حرکت فرایندی و تعداد کم گویه‌های اختصاص‌یافته به این متغیر، احتمال آن می‌رود که پاسخگویان درک روشنی از این متغیر نداشته‌اند. تقویت سازه سنچش در پژوهش‌های آتی برای دستیابی به نتایج قابل اعتمادتر الزامی است.

جدول ۴. آزمون تفاوت میانگین متغیرهای زمانی در بین گروه‌های سنی

متغیرها	نمره F	sig	میانگین رتبه‌ای	میانگین حسابی	گروه‌های سنی	۲۰-	۳۰-	۴۱-
حرکت فرایندی	۵/۱۳۵	۰/۰۰۶	۲۷۴/۴۳	۳/۰۱	۲۹-۲۰	---	۰/۹۵	۰/۰۱۳
			۲۷۳/۴۴	۳/۰۳	۴۰-۳۰	---	---	۰/۰۱۸
			۳۱۶/۶۴	۳/۲۴	۵۵-۴۱	---	---	---
حرکت خطی	۴/۴۱	۰/۰۰۵	۲۶۱/۲۱	۳/۱۳	۲۹-۲۰	---	۰/۵۹۶	۰/۰۰۵
			۲۷۸/۸۶	۳/۲۱	۴۰-۳۰	---	---	۰/۰۵۲
			۳۰۶/۷۹	۳/۳۸	۵۵-۴۱	---	---	---
زمان تحمیلی	۳/۳	۰/۰۱۹	۲۵۸/۴۳	۲/۹۶	۲۹-۲۰	---	۰/۳۵۳	۰/۰۱۴
			۲۷۶/۴۷	۲/۷۴	۴۰-۳۰	---	---	۰/۲۶
			۲۹۷/۰۱	۲/۸۵	۵۵-۴۱	---	---	---
زمان مرده	۶/۲	۰/۰۰۲	۳۲۳/۴۴	۲/۷۲	۲۹-۲۰	---	۰/۰۴۵	۰/۰۰۲
			۲۸۴/۸۴	۲/۵۲	۴۰-۳۰	---	---	۰/۴۵۷
			۲۷۰/۵۱	۲/۴۲	۵۵-۴۱	---	---	---
زمانبندی	۳/۸۱	۰/۰۳۵	۲۶۱/۰۶	۲/۹۶	۲۹-۲۰	---	۰/۱۶۸	۰/۰۲۹
			۲۸۹/۱۱	۳/۱۲	۴۰-۳۰	---	---	۰/۶۸۴
			۳۰۳/۳۱	۳/۱۹	۵۵-۴۱	---	---	---
ناپهنگامی	۴/۰۶۵	۰/۰۲۵	۳۲۰/۵۷	۲/۸۷	۲۹-۲۰	---	۰/۲۲۵	۰/۰۱۸
			۲۹۱/۵۱	۲/۷	۴۰-۳۰	---	---	۰/۴۷۱
			۲۷۱/۸	۲/۵۸	۵۵-۴۱	---	---	---
زمانمندی توسعه‌مدار	۴/۱	۰/۰۱۷	۲۷۲/۵۵	۳/۶۴	۲۹-۲۰	---	۰/۵۴۳	۰/۰۱۴
			۲۹۱/۴۴	۳/۷۱	۴۰-۳۰	---	---	۰/۱۴۳
			۳۱۵/۹۴	۳/۸۲	۵۵-۴۱	---	---	---

استفاده از الگوی ساختار میانگین برای مقایسه دو شکل «زمانمندی توسعه‌مدار» و «زمانمندی توسعه‌ستیز»، که متغیرهایی پنهان با شاخص‌های زمانی مختص خودند، موجب برآورد دقیق‌تر تفاوت‌های موجود بین این طبقه‌ها می‌شود. به گفته مولر و شیفر^۱ (۲۰۱۷: ۱)، «اگر چند متغیر به یک ساختار پنهان مشترک منتسب باشند، مقایسه مقادیر میانگین درون مدل‌یابی معادلات ساختاری به واقعیت نزدیک‌تر است». در طراحی الگوهای ساختار میانگین

برای دو متغیر مجزا، الگوی مربوط به طبقه پایین، الگوی مرجع دانسته شد و میانگین نمره دیگر طبقات با آن مقایسه شد. در اینجا، الگوهای ساختار میانگین طبقه مرجع و طبقه بالا برای دو متغیر مورد بررسی آمده است و برای رعایت اختصار، الگوی مربوط به طبقه متوسط حذف شده است.



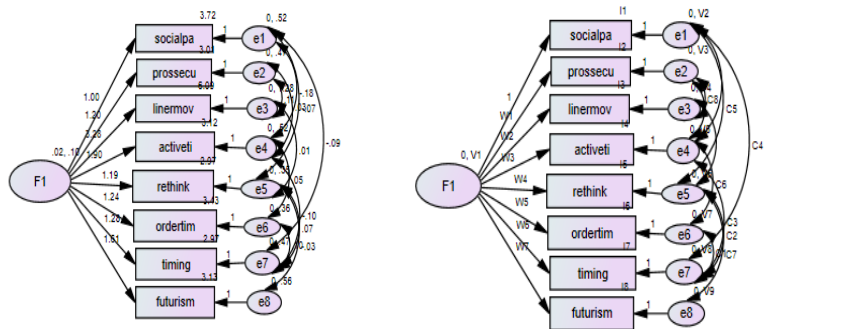
chi-square= 212.4 df= 155 p_value= 0.002 RMSEA= 0.026

chi-square= 212.4 df= 155 p_value= 0.002 RMSEA= 0.026

ب) طبقه بالا

الف) طبقه پایین: گروه مرجع

شکل ۱. الگوی ساختار میانگین «زمانمندی توسعه‌ستیز» برای مقایسه طبقه پایین (مرجع) و طبقه بالا



chi-square= 152.3 df= 89 p_value= 0.000 RMSEA= 0.036

chi-square= 152.3 df= 89 p_value= 0.000 RMSEA= 0.036

ب) طبقه بالا

الف) طبقه پایین: گروه مرجع

شکل ۲. الگوی ساختار میانگین «زمانمندی توسعه‌مدار» برای مقایسه طبقه پایین (مرجع) و طبقه بالا

در هریک از شکل‌های ۱ و ۲ دو الگو با مؤلفه‌های ثابت (مقادیر صفر و یک) و مقید (برچسب‌های یکسان در دو نمودار) ترسیم شده است. میانگین نمره زمانمندی توسعه‌ستیز در طبقه بالا برابر با ۰/۶۱- است که نشان می‌دهد میانگین نمره این متغیر در طبقه بالا ۰/۶۱ از میانگین نمره طبقه پایین (طبقه مرجع) کمتر است. میانگین نمره زمانمندی توسعه‌ستیز در طبقه متوسط (که الگوی آن برای رعایت اختصار در اینجا ترسیم نشده است) نیز ۰/۲۷ از میانگین نمره طبقه پایین کمتر است. میانگین نمره زمانمندی توسعه‌مدار نیز در طبقه بالا ۰/۰۲ از میانگین نمره این متغیر در طبقه پایین (طبقه مرجع) بیشتر است که در سطح ۵ درصد خطا ($p=0/000$) معنادار است. میانگین نمره این متغیر در طبقه متوسط نیز ۰/۱۳ از میانگین نمره طبقه پایین (طبقه مرجع) بیشتر است. در متغیر زمانمندی توسعه‌مدار، مقدار PCFI برابر با ۰/۹۰۹ و مقدار CFI برابر با ۰/۹۶۸ است که به مقدار یک بسیار نزدیک است و مقدار RMSEA برابر با ۰/۰۲۶ است که به صفر نزدیک است. در متغیر زمانمندی توسعه‌ستیز، مقدار PCFI برابر با ۰/۹۸۹ و مقدار CFI برابر با ۰/۹۳۳ است که به مقدار یک بسیار نزدیک است و مقدار RMSEA برابر است با ۰/۰۳۶ که به صفر نزدیک است. در هر دو متغیر، مقادیر حاکی از برازش پذیرفتنی الگوست.

نتیجه‌گیری

تحلیل شکل‌گیری زمانمندی‌های همگن و منسجم یا متعارض و ناهمگون در گروه‌های طبقاتی و سنی که محمل مهم تضاد منافع و تنازعات ارزشی در جامعه ایران است، چارچوب پژوهشی مهمی را شکل می‌دهد؛ به‌منظور دیدن ارتباط زمانمندی با هدایت کردن اقتصاد و روش زیستن درون مسیر توسعه پایدار.

سیمای کلی زمانمندی در شهر اصفهان بیانگر افزایش سرعت عمل اجتماعی و اضطراب انجام دادن سریع کارهاست که از ویژگی‌های بارز مدرن شدن است (مورلو، ۱۹۹۷؛ رزا، ۲۰۰۹). در مقابل، میزان شتابزدگی کم است که می‌توان آن را ناشی از نبود زیرساخت‌هایی چون اقتصاد بازار آزاد، دموکراسی توده‌ای و رشد اختراعات فناوری‌ها در کلان‌شهرها دانست که به‌گفته رزا (۲۰۰۹: ۹۵) از پیش‌شرط‌های اصلی شتابزدگی در جوامع توسعه‌یافته است. همچنین، میانگین نمره «زمانمندی توسعه‌مدار» در شهروندان اصفهانی (برابر با ۳/۳۷) بیشتر از

میانگین نمره «زمانمندی توسعه‌ستیز» (برابر با ۲/۶۵) است. می‌توان گفت عملکردهای زمانی کارآمد چون نظم زمانی، وقت‌شناسی، آینده‌گرایی و حرکت پیوستاری و خطی در مسیر زندگی، ریشه در منطق بنیادین جهان‌بینی اصفهانی دارد که طی غلبه کنش عقلانی معطوف‌به‌هدف، عناصری چون نظم، ترتیب و آداب‌مندی در نظام تربیتی این شهر تا حد زیادی نهادینه شده و «الگوی شخصیت پایه اصفهانی» را شکل داده است (رحمانی، ۱۳۹۶). با این حال، مقایسه زمانمندی در طبقه‌های اجتماعی و گروه‌های سنی گویای آن است که به‌رغم غلبه الگوی شخصیتی مناسب توسعه در این شهر، شکاف‌های طبقاتی و نسلی مانع شکل‌گیری زمانمندی منسجم، آگاهانه و معطوف‌به‌هدف در تمامی لایه‌های جامعه شده است. افراد دارای پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین، از جهت‌گیری‌های زمانی معطوف‌به‌آینده، حرکت‌های پیوسته و منظم، نظم زمانی که زمانمندی توسعه‌مدار را به‌ارمغان می‌آورند، بیشتر فاصله گرفته‌اند. میانگین نمره زمانمندی توسعه‌مدار در طبقه پایین، کمتر از طبقات متوسط و بالاست و به‌عکس، میانگین نمره این طبقه در زمانمندی توسعه‌ستیز بیشتر از دیگر طبقات است. این یافته‌ها با تحلیل طبقاتی گروویچ از زمان همخوانی دارد. به‌عقیده وی، طبقات به‌تازگی شکل‌گرفته از کارگران و خرده‌بورژوازی‌ها، به‌طورمستقیم از زمانشان آگاه نیستند. زمان چرخه‌ای و زمان کند و مداوم طولانی، تنها در چرخه‌های سنتی و نیز در میان طبقات درحال‌تنزل پدید می‌آیند (گروویچ، ۱۹۶۴: ۱۳۰-۱۴۰). این طبقه‌ها بیشتر در معرض شرایط نامطلوب بیرونی چون همسایگی‌های ناامن‌تر، تهدیدهای بی‌ثباتی شغلی و نوسان منابع در مدارس قرار می‌گیرند که اعمال آنها را تحت تأثیر قرار داده، فرصت‌های اجتماعی آنها را محدود می‌سازد. افراد طبقه پایین نسبت به افراد طبقه بالاتر، هدف‌ها و منافع را دنبال می‌کنند که رتبه اجتماعی و منابع اقتصادی تقلیل‌یافته آنها را تحمیل می‌کنند. نظام دانش فرد متعلق به طبقه پایین با این معنا مشخص می‌شود که کنش‌های فرد به‌طوردایم تحت تأثیر نیروهای بیرونی خارج از کنترل و نفوذ وی قرار می‌گیرند. بنابراین، عدم قطعیت و پیش‌بینی‌ناپذیری بخش مرکزی، زمینه‌های اجتماعی افراد طبقات پایین‌ترند. در مقابل، زمینه‌های اجتماعی طبقات اجتماعی بالاتر، اولویت‌های خود فردی‌شده را تعیین می‌کنند (کراوس، ۲۰۱۲: ۵۴۹). براساس نتایج، کنترل داشتن بر نحوه زمان‌بندی و گذران فعالانه و خلاقانه زمان خود، قطعیت و قابلیت

پیش‌بینی مسیر آینده زندگی خود در طبقات متوسط و بالا بیش از طبقه پایین است. هر اقتصاد باثباتی درک آینده‌ای مطمئن‌تر را میسر می‌کند؛ حال آنکه مشکلات اقتصادی ممکن است توجه افراد را به زمان حال معطوف کرده، موجب بازداشتن افراد از برنامه‌ریزی معطوف به آینده‌ای شود که غیرقطعی و تاریک درک می‌شود (آرماگان و دیگران، ۲۰۰۶: ۱۲۳-۱۳۲). فقر اقتصادی و دغدغه معاش همراه با ناآگاهی طبقاتی و تشکل نیافتن به مثابه طبقه‌ای منسجم و آگاه به منافع خویش، قشرهای پایین جامعه را به کنش‌های منفعلانه و توده‌وار سوق می‌دهد که بیش از هر چیز روزمرگی و سپردن خویش به جریان حوادث را به همراه دارد.

تحلیل نسلی زمانمندی نیز حاکی از آن است که نسل میانسال در برخی شاخص‌های زمانی کارآمد چون داشتن حرکت فرایندی، حرکت خطی منظم و بابرنامه، زمان‌بندی و نظم زمانی، عملکرد بهتری از نسل جوان دارد. در مقابل، نسل جوان زمان مرده و بی‌نظمی زمانی را بیشتر تجربه می‌کند. چنین وضعیتی با تحلیل آزادارمکی از تفاوت‌های بین‌نسلی همخوانی دارد. وی در تحلیل کارکردهای نسلی در خانواده اذعان می‌دارد که نسل دوم (افراد ۳۰-۵۴ ساله) برای ارتقابخشی به موقعیت نسل سوم (افراد ۱۵-۲۹ ساله) برای آنها امکانات مناسب مالی و اجتماعی و فرهنگی تهیه می‌کند و این امر موجب شده است تا نسل سوم کمتر مسئولیت‌پذیر شود و در مقابل، روحیه سودجویی در آنها افزایش یابد. به این لحاظ، نسل دوم نسلی سودجو، تنبل، منزوی، منفعل و بی‌دقت تربیت کرده که از کار خسته است (آزادارمکی، ۱۳۹۳: ۱۶۲). هرچند گرایش به راهبردهای کوتاه‌مدت و دیدن زمان به مثابه اپیزودها و بازه‌های زمانی کوتاه با نقاط پایان بی‌شمار در طی مسیر پیشرفت، رویکردی فراگیر در نسل جوان بیشتر کشورهای است و به گفته لکاردی، ظرفیتی برای عمل آگاهانه و بهینه همسو و همگام با فرهنگ فوریت و فرایند شتاب حاکم است، در جوانان اصفهان، سوی قشرهای فقیر که به دلیل نبود منابع قادر به برنامه‌ریزی و دنبال کردن مسیر مشخص نیستند، در جوانان قشرهای برخوردار نیز با توجه به اندک بودن نمره شتاب‌زدگی، زندگی در لحظه نه به معنای زمانمندی منظم و پرشتاب همراه با راهبردهای عمل‌گرایانه به منظور دستیابی به هدف‌های کوتاه‌مدت، بلکه ناشی از بی‌زمانی و اتلاف وقت برآمده از زندگی مصرف‌محور است که به وابستگی اقتصادی بیشتر و بی‌برنامگی، بی‌هدفی و به تبع آن احساس پوچی و بی‌هویتی می‌انجامد.

به‌طورکلی، تضادها و ناهمگنی‌های زمانی مشاهده‌شده در این پژوهش، همچون سرعت عمل اجتماعی بسیار زیاد یا بسیار کم، حال‌گرایی در مقابل آینده‌گرایی و نیز بی‌نظمی و گسستگی زمانی در نسل‌های جدید یا طبقات پایین جامعه، همگی افق‌های مشترک بین افراد را از بین می‌برد و مانع جهت‌گیری مشترک و هماهنگ اعضای جامعه در مسیر افکار، کنش‌ها و هویت‌های توسعه‌مدارانه می‌شود؛ حال‌آنکه افزایش یکپارچگی اجتماعی یکی از شاخص‌های توسعه از دیدگاه جامعه‌شناسی و از شاخص‌های تعریف «کیفیت زندگی» در رویکرد توسعه انسانی است (زاهدی، ۱۳۸۲). بدیهی است حرکت در مسیر هدف‌های مشترک با برنامه‌ریزی‌ها و زمان‌بندی‌های هماهنگ مستلزم توزیع عادلانه فرصت‌ها و منابع اقتصادی و برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی به‌منظور ایجاد فرصت‌های شغلی برای نسل جوان است. در سیاستگذاری‌های زمان باید هدف خلق شرایطی باشد که زمان، زمان خود فرد شود؛ یعنی کنترل خلاقانه و مستقل و فردی زمان ضمن جهت‌گیری منسجم و هماهنگ شهروندان در مسیر مشترک معطوف به توسعه.

منابع

- آنسل پیرسون، کیث و مولرکی، جان (۱۳۸۹)، *فلسفه برگسن*، ترجمه محمدجواد پیرمرادی، تهران: انتشارات سمت.
- آوتویت، ویلیام و باتامور، تام (۱۳۹۲)، *فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- آزادارمکی، تقی و ملکی، امیر (۱۳۸۶)، «رابطه ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۳۰: ۹۷-۱۲۱.
- آزادارمکی، تقی (۱۳۹۳)، *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت.
- انصاری، ابراهیم (۱۳۷۸)، *نظریه‌های قشربندی اجتماعی و ساختار تاریخی آن در ایران*، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳)، *شکاف یا گسست نسلی در ایران امروز: تحلیل‌ها، تخمین‌ها و تدبیرها*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات استراتژیک.
- تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۹۱)، *بازشناسی تحلیلی نظریه‌های درون جامعه‌شناسی مدرنیته در گذار: نسل دوم (۱۹۱۸-۱۹۶۰)*، تهران: نشر علم.
- توکل، محمد و قاضی‌نژاد، مریم (۱۳۸۵)، «شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه‌شناسی: بررسی و نقد رهیافت‌های نسل تاریخی و تضاد با تأکید بر نظرات مانهایم و بوردیو»، *نامه علوم اجتماعی*. شماره ۲۷: ۹۵-۱۲۴.
- دانش، پروانه و دیگران (۱۳۹۳)، «تحلیل جامعه‌شناختی شکاف نسلی در ایران»، *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، شماره ۳: ۳۱-۱.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۳)، *صور بنیانی حیات دینی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.
- ذاکری نصرآبادی، زهرا (۱۳۸۴)، «بررسی و شناخت تأثیر طبقه اجتماعی بر نگرش افراد نسبت به جریان نوگرایی (مطالعه موردی: شهر اصفهان)»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان*.

- رحمانی، جبار (۱۳۹۶)، «فرهنگ و شخصیت در اصفهان: مطالعه‌ای انسان‌شناختی در باب یک گونه شخصیتی در شهر اصفهان»، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، شماره ۱: ۷-۲۹.
- زاهدی مازندرانی، محمدجواد (۱۳۸۶)، توسعه و نابرابری، تهران: نشر مازیار.
- ساروخانی، باقر و صداقتی‌فرد، مجتبی (۱۳۸۸)، «شکاف نسلی در خانواده ایرانی: دیدگاه‌ها و بینش‌ها»، نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره ۴: ۷-۳۱.
- قدرتی، حسین و دیگران (۱۳۹۲)، «جهت‌گیری‌های عاطفی افراد دو نسل نسبت به والدین و تعیین‌کننده‌های آن در شهر شیراز»، جامعه‌شناسی کاربردی، شماره پیاپی (۵۱)، شماره ۳: ۹۷-۱۱۴.
- کوزر، لوئیس (۱۳۷۳)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- مانهایم، کارل (۱۳۸۰)، ایدئولوژی و اتوپیا (مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی شناخت)، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات سمت.
- معیذفر، سعید (۱۳۸۳)، «شکاف نسلی یا گسست فرهنگی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴: ۵۵-۸۰.

- Adam, Barbara (2003), "Reflexive Modernization Temporalized", **Theory, Culture & Society**, Vol. 20(2): 59-78
- Armagan, et al. (2006), "Temporality in Negotiations: A Cultural Perspective", **Research on managing groups and teams**, Vol.9: 117-147.
- Bergman, Warner (1992), "The problem of time in sociology: An overview of the literature on the state of theory and research on the "sociology of time", 1900-1982". **Time & society**, Vol.1(1): 81-134.
- Bourdieu, Pierre (2000), In: **Nice R (trans) Pascalian Meditations**. Cambridge: Polity Press.
- Boyd, J.N. and Zimbardo, Philip.G. (2005). "Time perspective, health and risk taking". In **Understanding behavior in the context of time**, Lawrence Erlbaum, Mahwah: 85-107.
- Cook و Julia (2015), "Young people's strategies for coping with parallel imaginings of the future. **Time & Society**, 25(3): 700-717.
- Cuzzocrea, Valentina. (2018), "Moratorium or waithood? Forms of time-taking and the changing shape of youth". **Time & society**, 0(0): 1-20
- D'Alessio, Marisa, et al. (2003), "Testing Zimbardo's Stanford Time Perspective Inventory (STPI) -Short Form: An Italian Study". **Time & Society**, 12(2): 333-347.
- Erikson, E. H. (1968), **Identity, Youth and Crisis**: NewYork.

- Fitzpatrick, Tony (2004), "Social Policy and Time", **Time & Society**, 13(2-3): 197-219.
- Game, Ann (1997), "Time unhinged", **Time & society**, Vol. 6. No 2-3: 115-129.
- Güell, Pedro and Yopo, Martina (2016), "The subjective texture of time: An exploratory and empirical approach to time perspectives in Chile", **Time & Society**, 25(2): 295-319.
- Gurvitch, George (1964), **The spectrum of social time**, Translated by Myrtle Korenbaum. Assisted by Philip Bosserman. Holland, Dordrecht: D. Reidel publishing company.
- Hammer, Epsen (2011), **philosophy and temporality from Kant to critical theory**, Newyork: combridge university press.
- Hodges, Matt (2011), "Review of Hoy's book: The time of our lives (A critical history of temporality)" In The authors (2011), "Time's many live". **Time & Society**. 20(2): 274-281.
- Hoy, David Couzens (2009), **The time of our lives (A critical history of temporality)**, Cambridge: Massachusetts Institute of Thechnology (MIT) Press.
- Incylopaedia Iranic (2007), "The Pahlavi period and the post-revolution era". Vol. XIV. Face.1. 15 December: 1-6.
- Katovich, Michael. A (1987), "Durkheims macrofundations of time: An assessment and critique", **The sociological quarterly**, Volume 28, No.3: 367-38.
- Keniston, K (1968), **Young Radicals, Notes on Committed Youth**: New York.
- Keniston, K (1971), **Youth and Dissent. The Rise of a New Opposition**: New York.
- Kharas, Homi (2011), **The Emerging Middle Class in Developing Countries**, Brookings Institution. Worldbank.org.
- Kraus, Michael, et al. (2012), "Social Class, Solipsism, and Contextualism: How the rich are different from the poor", **American Phsycological Association**, 119(3): 546-572.
- Larson, Elizabeth. A (2004), "The Time of Our Lives: The experience of temporality in occupation", Issue published February 1, Volume 71. Issue 1: 24-35.
- Leccardi, Carmen (2012), "Young people's representations of future and the acceleration of time: agenerational approach", **Diskurs kindh eits-und jugendfor chung**, 7.1: 59-73.
- Longo. M. Eugeni (2015), "Youth temporalities and uncertainty: Understanding variations in young Argentinians' professional careers", **Time & Society**, 0(0): 1-26.
- Meyer-Sahling, Jan-Hinrik (2007), "Time and European Governance: An Inventory", **Paper presented at the Biennial Conference of the European Union Studies Association**, Panel "The temporality of Europeanisation and Enlargement", Montreal/Canada, 17 – 20 May: 1-21.
- Mullr, Philipp and Svenja, Schafer (2017), "Latent Mean (Comparison)". **The International Encyclopedia of Communication Research Methods**. Published by John Wiley & Sons, Inc: 1-7.

- Paulsson, Alexander (2010), "Review of the time of our lives", **Foucault studies**, No.10. November 2010: 182-185.
- Rosa, Hartmut (2013), **Social acceleration: A new theory of modernity**, Translated by and Trejo-Mathys. J., Columbia University Press.
- Sarraf, M. (2010), "Vestiges of urban spirit (Isfahan's urban fabric through socio-spatial transformation)", Licentiate's thesis, KTH., Royal institute of technology, School of architecture & the built environment, Stockholm.
- Sommer, Brandon. (2019) "A generational analysis of Chinese workers responding to social dislocation", **Time & Society**, 0(0): 1-19
- Vostal, F. (2014), "Thematizing speed: Between critical theory and cultural analysis", **European Journal of social theory**, vol 17(1): 95-114.
- Zerubavel, Eviatar (1981), **Hidden rhythms: Schedules and calendars in social life**, Chicago/London: University of Chicago Press.